

قاچاق مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران

جعفر حق پناه*

مقدمه

نوشتار حاضر در صدد طرح موضوع و یافتن پاسخی برای این پرسش است که: آیا قاچاق مواد مخدر تهدیدی برای امنیت ملی کشور ما هست یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ چه تهدیداتی از ناحیه قاچاق مواد مخدر متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می شود. به عبارتی تحقیق حاضر در صدد یافتن رابطه میان متغیر مستقل "قاچاق مواد مخدر" با متغیر وابسته "امنیت ملی کشور" در قالب فرضیه زیر است:

قاچاق مواد مخدر تبعات و تأثیرات متعددی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.

دو قسمت اول نوشتار به بررسی مفهومی و تعریف عملیاتی مفاهیم امنیت و قاچاق مواد مخدر پرداخته، در بخشهای سوم و چهارم ضمن بیان رابطه این دو متغیر به

* کارشناس ارشد علوم سیاسی و محقق پژوهشکده مطالعات راهبردی

مؤلف در این مقاله در صدد پاسخ گفتن به این سؤال اساسی است که آیا قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی ایران تأثیر می گذارد یا خیر. جهت یافتن پاسخ مناسبی برای این سؤال، در ابتداء ویژگیهای یک تهدید در سطح ملی را برشمرده و در ادامه با تفکیک تاریخ ایران به دوره عمده قبل و بعد از انقلاب اسلامی، به تطبیق این ویژگیها با شرایط موجود در هر زمان پرداخته است.

به زعم مؤلف با عنایت به ویژگیهای عمده ای همچون بین المللی شدن یک رخداد و فراگیری و تداوم، معلوم می شود که قاچاق مواد مخدر به علت همسویی با سیاستهای حاکم در زمان رژیم سابق، به عنوان یک تهدید برای امنیت ملی ایران مطرح نبوده ولیکن با وقوع انقلاب اسلامی و تغییر اوضاع و احوال این عامل به صورت یک تهدید امنیتی رخ نموده است. آمار و ارقام مورد استفاده همگی مؤید استنتاجی است که مؤلف در این مقاله گرفته است.

نفوذپذیری مرزها، ایجاد شرارت و ناامنی، سرمایه داری سیاسی مخالفان داخلی و خارجی و ... از جمله مواردی هستند که زیر عنوان عوامل مخرب امنیت ملی طرح و بطور مفصل بررسی شده اند.

جمع‌بندی و عرضه برخی راهکارها خواهیم پرداخت.

الف) تحول مفهومی امنیت ملی

امنیت، مفهومی چندوجهی و همزاد با مفاهیمی مانند قدرت، تهدید و آسیب است. تعاریف موجود در فرهنگها، امنیت را احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی اند تعریف می‌کنند. امنیت با تعریف مفهوم مخالف یعنی ناامنی و بیان شاخصهای وضعیت فقدان امنیت نیز قابل تقریب به ذهن هست. امنیت، یک وضعیت است و هرگونه تعریفی از آن نسبی و متأثر از شرایط موجود می‌باشد. از این رو به سختی می‌توان از وضعیت ایده‌آل امنیتی و حصول امنیت کامل سخن گفت، چرا که محیط پیرامونی، متغیر و کمتر قابل کنترل است.

امنیت ملی هم به مثابه وسیله نیل انسان و جوامع بشری به غایات خود، و هم به عنوان هدفی که ابزارها و امکانات مادی و معنوی در تحقق این نیاز حیاتی به کار گرفته می‌شود، مطرح است. اساساً فلسفه تأسیس نهادهای عمومی و حکومتها و در شکل تکامل یافته آن یعنی دولت مدرن پاسخ‌گویی به همین نیاز اولیه بشری است. نیازی که مازلو، روان‌شناس معروف آن را در سلسله مراتب نیازها و انگیزه‌ها بلافاصله پس از نیازهای جسمانی مانند گرسنگی و تشنگی قرار داده است و تنها در صورت تأمین این نیاز حیاتی زمینه رشد و شکوفایی نیازهای متعالی و به تعبیر دیگر خودشکوفایی انسان فراهم می‌آید. (۱)

مفهوم امنیت ملی با تأخیر ۳۰۰ ساله نسبت به دولت ملی و در اوان قرن حاضر به متون سیاسی راه یافته و پیشتر مفاهیمی چون مصالح عالی کشور به جای آن به کار می‌رفت. مفهوم فوق از بدو پیدایش تحولات فراوانی به خود دیده و از سوی سایر صاحب‌نظران و پیروان مکاتب فکری و سیاسی به اشکالی متفاوت تعریف و عملیاتی شده است. نظریه پردازان کلاسیک روابط بین‌الملل نخستین کسانی بودند که امنیت ملی را در چارچوب مطالعات خود تعریف و بکار بردند. (۲) این نظریه پردازان اعم از کل‌گرایان یا ناحیه‌گرایان، امنیت ملی را دفاع در برابر تهدیدات خارجی و نظامی، فرضی یا واقعی و بالقوه یا آنی می‌انگاشتند و تئوری امنیت ملی به زعم آنها جهت‌گیری ژئوپولیتیک داشته و انگاره‌های فلسفی اصلی آن همان آموزه‌های مکتب واقع‌گرای

سیاست قدرتمندانه است. (۳) این پارادایم هم به لحاظ مفهومی و هم به لحاظ تجربی دچار محدودیتهایی است. مشکل موجود در بحث نظری در باب امنیت ملی این است که برخی صاحب نظران امنیت ملی را تابعی از متغیر تهدیدات خارجی (و عمدتاً نظامی) دانسته‌اند. بنابراین دیدگاه، شرایط امنیتی مطلوب در سطح ملی، افزایش توانمندی واحد دولت ملی برای مقابله با تهدیدات خارجی است.

اما دیدگاه دیگر، چنان تعریفی از امنیت ملی دارد که همه گرایشهای نامطلوب و عوامل داخلی بی‌ثباتی در سطح ملی را جزء حوزه تهدیدات امنیت ملی برمی‌شمرد. بنابراین تعریف مسایلی مانند تجزیه‌طلبیهای قومی، خشونت‌های فرقه‌ای، نابسامانیهای فراگیر اقتصادی و بحرانهای شهری، گستردگی آلودگی محیط‌زیست، فاجاق کلان و سازمان‌یافته مواد مخدر و اعتیاد، تهدید امنیتی به شمار می‌روند. تحدید حوزه حاکمیت ملی و ایفای نقش به‌وسیله بازیگران و نهادهای غیردولتی و کاهش کنترل معنادار هیأت حاکمه بر آن چه در درون مرزهایشان می‌گذرد و فعال شدن نیروهای اجتماعی. در ایجاد وضعیت جدید بسیار مؤثر بوده‌اند.

باید گفت که رهیافت اول ناقص است، زیرا بسیاری از تهدیدات امنیتی جاری را که حتی سنتی‌ترین تحلیلگران دفاعی بر اهمیت آن معترفند نادیده می‌گیرد و رهیافت دوم در وجه افراطی خود این نقص را دارد که به لحاظ ابهام و وسعت و تعدد مصادیق، مطالعه کل روابط بین‌الملل را با ناهنجاریهای اجتماعی و آسیب‌پذیریهای جامعه با هم مخلوط می‌کند. (۴) در حالی که علاوه بر درجه و میزان تهدید متفاوت هر یک از این عوامل، اصولاً باید آسیب‌پذیریهای اجتماعی از تهدیدات امنیتی به شکل قابل قبول، اندازه‌گیری و تفکیک شوند وگرنه این احتمال پدید می‌آید تا برداشت خاص و سلیقه‌ای از امنیت ملی، حربه مناسبی در اختیار جناح سیاسی برای مقابله با رقبا و ممانعت از ایجاد تغییرات ژرف و ساختاری در جامعه قرار بدهد و معنای امنیت ملی به امنیت گروه حاکم تحریف و تقلیل یابد. قرار دادن این مسایل تحت موضوع امنیت ملی می‌تواند به بروز وضعیت بحرانی، اتخاذ تدابیر اضطراری و بعضاً غیرقانونی، صرف هزینه‌های فراوان و چه بسا تحریک به واکنش در داخل و خارج منجر شود.

البته پذیرش برداشت اعتدالی از روند فوق لزوماً به معنای کاهش امنیت ملی واحد کشور - ملت نیست بلکه منظور تصریح و تأکید بر این نکته است که باید امنیت ملی بنا بر

عوامل جدیدی تعریف و براساس شاخصهای نو اندازه‌گیری شود. شاخصهایی که به تناسب شرایط خاص هر کشور بعضاً متفاوت با سایر کشورها می‌باشند. در همین خصوص یکی از صاحب‌نظران بر آن است که: امروزه تأکید جدیدی بر روی تهدیدات فروملی و فراملی می‌شود. مانند مسائل امنیتی ناشی از کشمکشهای قومی، تروریسم، تهدیدات غیرنظامی، تهدیدات جنایی بین‌المللی با رنگ و بوی سیاسی مانند قاچاق مواد مخدر و تهدیدات ناخواسته مانند فاجعه انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل در ۱۹۸۶ (۵). روشن است که در دنیای پس از جنگ سرد امکان دارد برخی از بزرگترین تهدیدات حاصل برنامه‌ریزی تجاوزکارانه آگاهانه، عقلانی و عمدی به دست دشمنان ملی مشخصی نباشد. این‌گونه تهدیدات حتی ممکن است ناامنی گسترده‌تر و شدیدتری را نسبت به تهدیدات یک دشمن خارجی موجب شود. زیرا به هنگام مدیریت بحران نمی‌توان دست حریف را خواند و یا ضمن تحلیل مبانی تصمیم‌گیری آنها، بر روند تصمیم‌گیری آنان تأثیر نهاد و یا این‌که احیاناً با آنها وارد مذاکره شد. (۶)

گسترش افراط‌گونه پیمانها و بلوک‌بندی منطقه‌ای، نظامی، سیاسی و اقتصادی، افزایش نقش سازمانهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی در مقام بازیگران جدید نظام بین‌الملل موجب شد تا طی دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم نقش این بازیگران بر امنیت و حیات دولت ملی چونان مهمترین موضوع، در مورد بحث و مطالعه قرار گیرد. اگر چه متغیرهای فوق هم چنان بر مقوله امنیت کشورها تأثیر گذارند، اما سیر تحولات در جهان سوم نشان می‌دهد که نقش عوامل غیردولتی (مانند مسأله مهاجرتها و قاچاق) و داخلی (مانند تنشهای قومی و جنبشهای اجتماعی) بر امنیت ملی تأثیر مضاعفی یافته است. هواداران دیدگاه بالا معمولاً با نگرش میان‌رشته‌ای، مقوله‌ها و مفهومیهای جامعه‌شناسانه روان‌شناختی اقتصادی و را وارد عرصه مطالعات امنیت ملی می‌کنند و مسایلی مانند خشونت داخلی، بحرانهای شهری، تنشهای قومی، افزایش انفجارگونه جمعیت و قاچاق مواد مخدر و ... را به مثابه تهدیدات امنیتی بررسی می‌کنند. چنین طرز تلقی از تهدیدات امنیتی به تدریج میان نهادها و صاحب‌نظران مقبولیت عام یافته است. برای مثال یونسکو در این زمینه اعلام می‌دارد که:

«آشکار است که تهدید سلاحهای اتمی هم چنان وجود دارد، اما در مقایسه، مشکلات و مسایل داخلی مانند بیکاری، بیماری، افزایش جرم و جنایت و قاچاق

مواد مخدر به شکل گسترده‌تری امنیت کشورها را تحت الشعاع قرار داده‌اند. مبنای امنیت هم اینک توسعه است و نه تسلیحات» (۷)

برای بازشناسی و تفکیک تهدیدات امنیتی در سطح ملی از آسیب‌پذیریهای اجتماعی، مسایل و تنشهای جاری سیاسی و برداشتهای سلیقه‌ای از تهدیدات، نیاز به شاخصهایی است که ذیلاً بدانها اشاره می‌شود:

اول) بین‌المللی شدن رخدادهای داخلی

برخی رخدادهای داخلی بعد بین‌المللی می‌یابند و با توجه به تأثیرگذاری در سطوح جهانی یا منطقه‌ای باعث جلب حساسیت و یا تحریک سایر بازیگران (دولتها و یا سازمانهای بین‌المللی) می‌شوند. (۸) مانند وقوع انقلاب اسلامی و طرح ایده صدور انقلاب و واکنش دیگر کشورها که انجام گرفتن تحریکاتی علیه جمهوری اسلامی را در پی آورد. مورد دیگر می‌توان به وقایع و مسایل داخلی سودان اشاره کرد که بهانه حمله امریکا به این کشور در سال ۱۹۹۲ گشت.

دوم) عامل فراگیری (۹)

اگر موضوع فرضی از یک ناحیه محدود جغرافیایی فراتر رفته و بخش اعظم مساحت و جمعیت کشور را دربرگیرد و یا قسمت مهم و عمده‌ای از نیروی انسانی و یا منابع کشور و امکانات دولتی را به خود معطوف کند، تهدید امنیت ملی محسوب می‌شود. مانند: بحرانهای شهری وسیع، تنشهای قومی گسترده و یا مسأله مواد مخدر.

سوم) عامل تداوم

هرگاه موضوع مورد بحث به لحاظ زمانی از شکل یک مسأله و عارضه نامطلوب زودگذر خارج گردد و در میان مدت یا درازمدت و به صورت فرسایشی ضایعاتی به بار آورد و برای دوره طولانی مدت توان مادی و غیرمادی دولت را به خود مشغول کند قطعاً در شمار تهدیدات امنیتی قرار می‌گیرد. مسایلی مانند افزایش انفجارآمیز جمعیت و مواد مخدر از چنان تداوم زمانی برخوردار هستند که تهدید امنیتی به شمار می‌روند.

ب) مواد مخدر در ایران

در بخش پیشین ضمن بررسی تحول مفهوم امنیت ملی روشن شد که مواد مخدر را نیز به لحاظ نظری می‌توان دست‌کم برای برخی کشورها تهدیدی برای امنیت ملی به شمار آورد. حال باید دید آیا در ایران مسأله مواد مخدر در شمار تهدیدات ملی هست؟ و اگر چنین باشد تبعات امنیتی آن کدامند؟

اول) دوره قبل از انقلاب اسلامی

سابقه کشت، توزیع و مصرف مواد مخدر در ایران به گذشته‌های دور بازمی‌گردد. در مناطق مختلف کشور مواد مخدر و عمدتاً تریاک و حشیش به عمل آمده، در داخل مصرف می‌شده است. از دوره رضاخان، دولت انحصار تجارت تریاک در داخل را برعهده گرفت. تدریجاً با افزایش جمعیت، تغییر ساختار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران در دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ و افزایش درآمدها، ورود مظاهر فرهنگ غربی، تخلیه روستاها و گسترش شهرنشینی و حاشیه‌نشینی و سایر عوامل، مسأله مواد مخدر در ایران شکل گرفت. چرا که قضیه از شکل مصرف محدود و عمدتاً تفننی تریاک که تولید و توزیع آن تحت نظارت و یا دست‌کم با اطلاع دولت و منحصر به برخی مناطق ایران بود گذشت و به اعتیاد روزافزون اقشار مختلف جوانان به انواع مواد افیونی به ویژه هروین و تشکیل باندهای توزیع مواد و تجارتی پررونق و سودآور انجامید.

از اواخر دهه ۴۰ رژیم پهلوی اقداماتی مبنی بر محدودسازی کشت خشخاش و مبارزه با توزیع و مصرف مواد مخدر آغاز کرد که با فراز و نشیب‌هایی تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. اما اقدامات کنترلی رژیم تأثیر بازدارنده چندانی نداشت. فقدان اراده قاطع دولتمردان پهلوی و آلودگی اغلب آنها به استعمال و بعضاً توزیع و قاچاق مواد حتی در سطح بین‌المللی و مهمتر از آن سیاستهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این رژیم مانع از اتخاذ تدابیر اصولی و جدی برای مبارزه با این پدیده رو به گسترش بود.

از تعداد معتادان، میزان تولید و توزیع و نحوه مقابله با قاچاق و مصرف مواد در سالهای قبل از انقلاب آمار دقیقی در دست نیست. به هر حال نکته مهم این است که پیش از انقلاب مسأله مواد مخدر فراگیری و تداوم و شدت کنونی را نداشته است. از این‌رو در طول این دوره مسأله مواد مخدر نه به منزله یک تهدید امنیتی که حداکثر به مثابه

آسیب اجتماعی و نوعی کج روی در جامعه و نزد دولتمردان محسوب می شد. پرواضح است که مبانی ارزشی رژیم پهلوی نیز چنین تلقی را تأیید می کرد. ضمن این که علی رغم استفاده از ایران به مثابه مسیر ترانزیت مواد مخدر از افغانستان و پاکستان به اروپا، نه اروپا بازار مصرف گسترده کنونی را داشت و نه دو کشور یاد شده به اندازه رقم کنونی تولید داشتند. بدین لحاظ مشکلات امنیتی کمتری هم پدید می آمد.

دوم) دوره پس از انقلاب اسلامی

حاصل تحول شگرف جامعه ایران در سال ۱۳۵۷، انقلاب اجتماعی بزرگی بود که علاوه بر جابه جایی قدرت سیاسی، متضمن دگرگونیهای فرهنگی و اجتماعی بود. در سالهای نخست پس از انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی، تحت تأثیر نظام ارزشی برآمده از انقلاب مبارزه با مواد مخدر شکل خاصی به خود گرفت. از نگاه جامعه انقلابی، معتاد مجرمی بود که باید اصلاح و به دامان جامعه باز می گشت. همچنین مسؤولان و مردم قاچاق مواد مخدر را مقوله ای سیاسی در جهت ضربه زدن به انقلاب اسلامی تلقی کرده، مقابله با آن را فریضه و دزای ضرورت تام می دانستند. تأکید بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نیز نگاه امنیتی به مسأله را تقویت می کرد.

با چنین نگرشی مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر از سال ۱۳۵۸ با شدت و حدت آغاز شد. قاچاقچی گری برابر و هم عرض با ضدانقلابی گری بود و پرونده های مربوطه در دادگاههای انقلاب اسلامی مورد رسیدگی قرار می گرفتند. مزارع زیر کشت خشخاش منهدم و بر اثر اقدامات کنترلی بعدی تقریباً تولید مواد مخدر در داخل به صفر رسید. تحت تأثیر نگاه منفی جامعه به پدیده اعتیاد اردوگاههای بازپروری و ترک اعتیاد افزایش یافت و در کنار آن گران شدن قیمت مواد مخدر بر اثر مبارزه گسترده با ورود و قاچاق مواد افیونی موجب ترک اعتیاد عده زیادی از معتادان شد.

با اتمام جنگ در سال ۱۳۶۷ و آغاز دوران سازندگی، مسأله مواد مخدر و شیوه مقابله با آن شکل تازه ای به خود گرفت. از آنجمله:

۱- این که قانون جدید مبارزه با مواد مخدر در دی ماه ۱۳۶۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و راهکارهای حقوقی مبارزه جدی با این معضل را فراهم آورد.

- ۲- تشکیل و احیاء ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری برای ایجاد تمرکز و هماهنگی میان روندها و سازمانهای ذیربط.
- ۳- ادغام نیروهای سه‌گانه کمیته انقلاب اسلامی، شهربانی و ژاندارمری در قالب نیروی انتظامی.
- ۴- استفاده مقطعی از نیروی نظامی سپاه پاسداران و سرمایه‌گذاری کلان برای کنترل نوار مرزی شرق کشور.
علی‌رغم اقدامات سلبی و کنترلی موفق در سالهای مختلف انقلاب، نه تنها مسأله مواد مخدر در کشور حل نشد و از میان نرفت بلکه بنا به عوامل ذیل ابعاد وسیع و گسترده‌تری به خود گرفت.
- ۱- وقوع جنگ تحمیلی و اولویت آن باعث شد تا توان نظامی، امنیتی و انتظامی کشور معطوف جنگ شود. در واقع برای حفظ امنیت مرز در غرب کشور، نوار مرزی شرق که دروازه ورود مواد مخدر است، تا حد زیادی نفوذپذیر شد.
- ۲- تداوم جنگ تحمیلی توان اقتصادی کشور را تحلیل برد و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی گسترش پدیده قاچاق و اعتیاد را فراهم آورد.
- ۳- اقدامهای انجام شده عمدتاً جنبه سلبی و کمتر ایجابی داشت، از این رو بسیاری از قاچاقچیان و معتادان پس از مدتی به وضعیت سابق خود بازگشتند.
- ۴- عوارض روانی و فرهنگی که طبیعتاً هر جنگ فرسایشی به جوامع جنگ‌زده تحمیل می‌کند و به ویژه پس از جنگ رخ می‌نماید در گسترش این پدیده بی‌تأثیر نبود.
- ۵- کمبود امکانات و تجهیزات نیروها و فقدان آموزش و استفاده از مهارتها و ابزار نوین.
- ۶- استفاده اندک از اصول و شگردهای اطلاعاتی
- ۷- کم توجهی به ابعاد بین‌المللی قضیه و عدم همکاری با سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی
- ۸- افزایش تولید و ترانزیت مواد مخدر از پاکستان و افغانستان به ایران بر اثر ضعف حاکمیت این دولتها و ازدیاد تقاضای مصرف در بازارهای اروپا و امریکا.
با این مقدمه می‌توان مسأله مواد مخدر و فرایند مبارزه با آن به منزله یک عامل تهدیدکننده امنیت ملی را از زبان آمار و ارقام چنین ترسیم کرد:

- میزان کشفیات انواع مواد مخدر در سال ۱۳۷۶ بالغ ۱۹۷ تن می‌گردد. (۱۶۱) تن تریاک، ۲۵ تن مرفین، ۱۷ تن حشیش و هرویین)
- ارزش افزوده حاصله برای قاچاقچیان معادل ۳۰۳ میلیارد تومان در سال بوده است.
- ارزش مواد مکشوفه معادل ۳/۵٪ از مبلغ بالا (حدود ۱۰ میلیارد تومان) بوده است.
- ضررهای اقتصادی وارده به کشور از ناحیه توزیع و مصرف مواد مخدر در سال در مجموع ۷۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است. (۱۰)
- تعداد زندانیان مواد مخدر در کشور، حدوداً ۱۰۰ هزار نفر می‌باشند.
- میانگین سن زندانیان ۳۰ سال محاسبه می‌شود. (۱۱)
- آمار شهدای مبارزه با مواد مخدر نیز حدود ۲۵۰۰ نفر بوده است.
- تعداد مجروحان نیز حدود ۵۰۰۰ نفر ثبت گردیده است. (۱۲)
- تعداد مراکز بازپروری معتادان در مجموع ۱۲ مرکز در نه استان کشور می‌باشد. (۱۳)
- تعداد معتادان تحت درمان حدود ۱۸۱۷۷ نفر هستند.
- مقدار هزینه برای کنترل مرزهای شرق کشور بالغ بر ۵۶۱ میلیون دلار می‌گردد.
- مقدار تقریبی مواد مخدر وارد به کشور از کشورهای پاکستان و افغانستان: حدود ۴ هزار تن (۱۴)
- تعداد تقریبی معتادان کشور، بین یک تا سه میلیون نفر برآورد می‌شود. (۱۵)
- تعداد تقریبی افراد خانواده‌های آسیب‌پذیر در معرض آلودگی به مواد مخدر نیز ۶ میلیون نفر برآورد می‌شود. (۱۶)

ج) مواد مخدر: آسیب یا تهدید امنیتی

آسیبهای اجتماعی، جلوه‌های جزئی و فرعی تهدیداتند که در بالاترین حد، سلامت اخلاقی و نظم و امنیت عمومی جامعه را خدشه‌دار می‌کنند. تکثر، فراگیری و مداومت می‌تواند آسیبها را به تهدید امنیتی تبدیل کند. البته مبانی ارزشی و دیدگاهها و اولویتهای تصمیم‌گیران سیاسی یک جامعه نیز در تلقی یک پدیده به مثابه آسیب یا تهدید مؤثر

است. طرز تلقی نظامهای سیاسی ایران از مسأله موادمخدر پیش و پس از انقلاب گواه مدعاست. پیش از انقلاب اسلامی مسأله موادمخدر مداومت و فراگیری کنونی را نداشت و ضمناً تعارضی هم با مبانی ارزشی دولتمردان رژیم پهلوی نمی یافت. در حالی که پس از انقلاب اسلامی با عنایت به عوامل زیر می توان این مسأله را موادمخدر در ایران تهدیدی امنیتی دانست:

۱- تکثر، مداومت و فراگیری؛ در طول تمامی این سالها بر میزان ورود موادمخدر به کشور، تعداد معتادان، تعداد زندانیان، هزینه ها و زیانهای اقتصادی ناشی از ورود، توزیع و مصرف موادمخدر و گستره جغرافیایی توزیع و مصرف آن افزوده شده است. بنابر آمار موجود:

- تعداد زندانیان موادمخدر از ۲۱۲۷۹ نفر در سال ۱۳۷۲ به حدود یک صد هزار نفر در سال جاری رسیده است. (۱۷)
- مجموع هزینه های مصرف موادمخدر در کشور در سال ۱۳۷۷، حدود ۴۵۰ میلیارد تومان برآورد می شود. در حالی که این رقم در سال ۱۳۷۰ به ۴۵ میلیارد تومان می رسید. (۱۸)
- رشد فزاینده کشفیات موادمخدر گویای افزایش ترانزیت موادمخدر به کشور است که به ویژه بعد از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان افزایش یافته و به رقم بی سابقه نزدیک به چهار هزار تن رسیده است. (۱۹)
- بر میزان معتادان کشور به ویژه میان جوانان به میزان چشمگیری اضافه شده است. (۲۰)
- در حالی که قبلاً تنها از مرزهای شرق کشور موادمخدر به داخل ترانزیت می شد، هم اینک مرزهای آبی جنوب کشور و حتی مرزهای شمالی نیز آلوده شده و مشکلات مضاعفی در کنترل مرزها پدید آمده است. (۲۱)
- در حال حاضر اغلب مناطق کشور آلوده به مصرف موادمخدر می باشد. مناطقی که در گذشته آلودگی بسیار پایینی به مصرف مواد داشته و یا گذرگاه ترانزیتی آن نبوده اند، هم اینک بدین معضل دچار گشته اند. از جمله این مناطق می توان به استان کردستان اشاره کرد که تا چندی پیش میزان اعتیاد و ترانزیت مواد در آن بسیار پایین بود. اما به گفته مسؤولان مربوطه اخیراً ترانزیت مواد به دلیل عوامل

خارجی و داخلی در این استان افزایش یافته است. ایجاد آزمایشگاههای تبدیل تریاک به هرویین در شمال عراق، حضور تشکلهای مخالف نظام و هرج و مرج در مناطق کردنشین عراق از جمله دلایل عطف توجه و فعالیت قاچاقچیان در استان کردستان می باشد. (۲۲)

۲- در نظام ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، بسیج مردم نقش عمده‌ای در تقویت اقتدار و امنیت کشور دارد و هر عاملی که به وفاق و ارزشهای متعارف جامعه آسیب بزند در واقع با تأثیرگذاری منفی بر مسأله بسیج به نظام سیاسی لطمه وارد خواهد ساخت که این خود، پدیده‌ای ضدامنیتی محسوب می شود. در چنین نظامی امنیت فرهنگی جامعه با امنیت کل نظام آمیخته است و سلامت اخلاقی و حفظ پتانسیل بسیج جامعه براساس اصول، ارزش امنیتی مضاعفی دارد. بیش از نصف جمعیت کشور را جوانان تشکیل می دهند و حفظ و تقویت نظم و امنیت در گرو جلب نظر و توان بسیج و سازماندهی آنان است. طبعاً با این نگرش آرمانی، گسترش روزافزون اعتیاد به ویژه در میان جوانان و پایین آمدن تدریجی میانگین سنی معتادان و توزیع کنندگان مواد افیونی و گرایش کلی بخش مهمی از سرمایه و نیروی کار جامعه به سمت این تجارت پررونق اما نامشروع و مضر به حال اقتصاد ملی را نمی توان تنها یک آسیب یا بزهکاری و یا کجروی دانست. جامعه در حال توسعه ایران نمی تواند نظاره گر به هدر رفتن منابع محدود مالی و سرمایه ها و نیروی انسانی خود باشد و این پدیده را مانع جدی فراروی بنا نهادن جامعه آرمانی خود می داند.

۳- بُعد بین المللی یافتن این پدیده داخلی؛ عامل دیگری است که مسأله مواد مخدر را به امنیت ملی ایران گره می زند. چنان که اشاره شد مسأله اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در ایران، مقوله‌ای است که با خارج از مرزها مرتبط است. زیرا عملاً تولید مواد مخدر در داخل تقریباً به صفر رسیده و آن چه در داخل کشور مصرف یا ترانزیت می شود از خارج کشور وارد می شود.

ایران در مجاورت یکی از سه منطقه اصلی تولید مواد مخدر جهانی یعنی منطقه هلال طلایی قرار دارد. منطقه هلال طلایی بخشهایی از افغانستان و پاکستان تا هند را دربرمی گیرد. (دو منطقه مهم دیگر در امریکای مرکزی و جنوب شرق آسیا، موسوم به مثلث طلایی می باشند) در هندوستان تولید مواد مخدر قانونی و تحت نظارت دولت

است. حجم زمینهای زیر کشت خشخاش در این کشور ۲۲۷۹۹ هکتار می باشد که هند را در زمینه کشت قانونی موادمخدر در مرتبه دوم پس از ترکیه قرار می دهد. (۲۳) اما مهمترین نقاط تولید موادمخدر کشور پاکستان و به ویژه افغانستان می باشد. حجم موادمخدر تولید شده در این منطقه بیش از چهار هزار تن می باشد که بخش اعظم آن از مسیر ایران راهی بازارهای مصرف اروپا و آمریکا می شود. (۲۴)

در جنوب و جنوب شرق افغانستان بیش از ۲۰۰ هزار کارگر افغانی در مزارع کشت خشخاش فعالند و در سال ۱۹۹۷ جمعاً ۲۸۰۰ تن موادمخدر تولید کرده اند که ۲۵٪ بیشتر از سال گذشته (قبل از استقرار طالبان) می باشد. (۲۵) سالانه ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تن تریاک در دهها آزمایشگاه مدرن و دور از دسترس دولتهای افغانستان و پاکستان به هرویین و مرفین تبدیل می شود و از طریق ایران به اروپا ترانزیت می شود. (۲۶) به گزارش منابع سازمان ملل متحد ۸۰٪ هرویین توزیع شده در اروپا در افغانستان به عمل می آید و از طریق ایران به ترکیه و سپس ممالک مختلف اروپایی ارسال می گردد.

با توجه به مخاطرات حمل و نقل دریایی و هوایی موادمخدر و کوتاهی مسیر ایران در رساندن مواد به ترکیه و سپس اروپا و سابقه طولانی ترانزیت مواد از کشور ما، آشنا بودن قاچاقچیان به مسیر ایران و فعالیت قاچاقچیان ایرانی، باندهای بین المللی موادمخدر علی رغم مبارزه شدید جمهوری اسلامی هم چنان ترجیح می دهند محموله های خود را از این طریق ترانزیت کنند. این امر ضمن لطمه زدن به اعتبار جمهوری اسلامی در خارج و دادن خوراک تبلیغاتی به رسانه ها و محافل حقوق بشری غربی برای حمله به نظام، دست بیگانگان و باندهای بین المللی قاچاق را در بلندمدت در کشور ما باز می کند و به شرحی که در ادامه خواهد آمد، تهدیدات امنیتی جدی ای را متوجه نظام می سازد.

د) قاچاق موادمخدر و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در این قسمت با به دست دادن شاخصهایی تأثیرات قاچاق موادمخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطالعه می شود تا فرضیه وجود تبعات منفی قاچاق موادمخدر بر امنیت کشور به آزمون کشیده شود.

اول) نفوذپذیری مرزها

با توجه به از بین رفتن زمینه‌های تولید مواد مخدر در داخل (اعم از کشت و یا تبدیل تریاک به هروین) و ورود تمامی این مواد از خارج کشور، مسأله مرز و مواد مخدر از یکدیگر جدایی ناپذیرند. از سوی دیگر باید گفت حفظ امنیت مرزها و نفوذناپذیری آن، یکی از شاخصهای امنیت هر کشوری محسوب می‌شود و افزایش قاچاق مواد مخدر به چند صورت امنیت مرزها و نفوذناپذیری آن را تهدید می‌کند:

۱- افزایش تعداد درگیریها و تلفات: هم اینک محموله‌های عمده و بزرگ مواد به وسیله کاروانهای بزرگ مجهز به تجهیزات مدرن مانند دستگاههای پیشرفته مخابراتی، دوربینهای دید در شب، انواع سلاحها و بعضاً موشکهای ضد هوایی به همراه نفرات آموزش دیده و آشنا به منطقه وارد کشور می‌شوند. از این رو مقابله با آنان به سادگی گذشته امکان پذیر نیست.

بنابر آمار موجود، پس از انقلاب تاکنون حدود ۲۵۰۰ نفر در مبارزه با قاچاق مواد مخدر دستگیر و حدود ۵۰۰۰ نفر جانباز و مجروح شده‌اند. اغلب این تلفات به نواحی شرقی و جنوب شرق کشور مربوط می‌شود. چنین رقمی در جهان بی سابقه است و کمتر کشوری بدین شکل از نیروهای انسانی و منابع مالی خود در راه مبارزه با مواد افیونی سرمایه گذاری کرده است.

۲- افزایش هزینه‌های کنترل مرز: مرز ۱۲۹۵ کیلومتری ایران با پاکستان و افغانستان و نیز مرزهای آبی جنوب کشور در معرض تهدید و نفوذ باندهای قاچاق مواد مخدر قرار دارند. وضعیت طبیعی نقاط مرزی و ضعف دولت‌های مرکزی کشورهای همسایه، سهولت بیشتری برای قاچاقچیان فراهم می‌کند. جمهوری اسلامی برای مقابله با ورود این محموله ناچار از صرف هزینه‌های بسیار برای کنترل و انسداد مرزها گردیده است. مجموع این هزینه‌ها بالغ بر ۵۶۱ میلیون دلار می‌شود. (۲۷) ذیلاً به برخی اقدامات پرهزینه‌ای که با صرف دهها میلیارد ریال انجام شده اشاره می‌گردد: (۲۸)

- احداث ۶۰۰ کیلومتر خاکریز
- انسداد دهها تنگه و گذرگاه با بتون آرمه
- حفر صدها کیلومتر کانال
- احداث ۱۱۱۴ پاسگاه مرزی و ۸۵ برجک دیده‌بانی

ارقام فوق در شرایطی بر اقتصاد جنگ زده و آسیب دیده ایران سنگینی می کند که سایر کشورها هزینه های بسیار کمتری به این مهم اختصاص می دهند. مثلاً کشور لهستان در سال ۱۹۹۳ تنها یکصد تا دویست هزار دلار به امر فوق اختصاص داده بود. (۲۹)

۳ - آلودگی نیروهای مقابله کننده : بدون این که قصد ایراد اتهام به افراد یا نهادی وجود داشته باشد می توان احتمال آلودگی مقابله کنندگان با این پدیده را متصور دانست. سختی شرایط مأموریتی در نقاط صفر مرزی، مأموریت های طولانی مدت، استفاده و به کارگیری نیروهای بی انگیزه و به اصطلاح تبعیدی و در کنار آن شگردها و ترفندهای قاچاقچیان می تواند آلودگی پرسنل مقابله کننده را - که عمدتاً سربازان وظیفه هستند - به اعتیاد، اختلاس و ارتشاء و همدستی و تبانی با قاچاقچیان همراه آورد. تهدید عامل فوق از آن رو وجه مضاعف می یابد که بدانیم با توجه به کمبود امکانات و ابزار موجود، نیروی انسانی با انگیزه و متعهد همچنان از عوامل اصلی حفظ امنیت و مقابله با مصادیق نامنی مانند قاچاق کالا و مواد بوده و کشفیات انبوه و قابل توجه انجام شده عمدتاً مرهون همین عامل بوده است.

۴ - تسهیل ورود سایر کالاهای قاچاق از مرزها: بررسیهای به عمل آمده گویای وجود رابطه همبستگی میان قاچاق موادمخدر و قاچاق کالا هستند. مناطق آلوده به موادمخدر، آلوده به قاچاق کالا نیز بوده و از مسیرها و معابر مشترکی استفاده می شود. ورود کالاهای قاچاق، ضمن وارد آوردن ضربه سنگین به تولیدات داخلی، با تقویت روحیه قانون شکنی و مصرف گرایی نقش مؤثری در افزایش قاچاق و اعتیاد به موادمخدر نیز ایفا می کند.

بنابر تحقیقات به عمل آمده بسیاری از قاچاقچیان بین المللی موادمخدر نخست قاچاقچیان و حاملان کالاهای کوچک در مناطق مرزی کشور بودند که به تدریج به سودآوری و سهولت و امکان و راهکارهای قاچاق موادمخدر پی برده، و بدان روی آورده اند. در سالهای اخیر همانند افزایش قاچاق موادمخدر، قاچاق کالا نیز طی سالهای اخیر رشد بالای ۱۵٪ داشته است. (۳۰)

در حال حاضر برخی عناصر خرده پا، قاچاق موادمخدر و کالا را همزمان و توأمان انجام می دهند و به ویژه کالاهای پرسودی که مصادیق تهاجم فرهنگی محسوب می شوند مانند فیلمها و عکسهای مستهجن، دیسکتهای، آنتنهای ماهواره و انواع مشروبات

الکلی را به داخل وارد و در شبکه‌های منظم عرضه می‌کنند.

۵- قاچاق مواد مخدر و افزایش خروج غیرمجاز: اکثر ترددکنندگان غیرمجاز برای خروج از کشور از معابر و مسیرهایی استفاده می‌کنند که مورد استفاده قاچاقچیان کالا و مواد مخدر است. چرا که دور از دسترس و خارج از کنترل بودن این مسیرها به وسیله قاچاقچیان محرز شده و گرنه آنان به حمل محموله‌های گرانبهای خود از این مسیرها اقدام نمی‌کردند. طی سالهای اخیر مرزهای سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و مرزهای آبی جنوب کشور عمده‌ترین مسیرهای قاچاق مواد مخدر و در عین حال خروجهای غیرمجاز بوده است.

هم‌چنین بسیاری از مرتبطان و راهنماهای کاروانهای بزرگ قاچاق و قاچاقچیان جزء، در خروجهای غیرمجاز فعال بوده و با گرفتن مبالغ کلان، افراد ممنوع‌الخروج را از مسیرهایی مطمئن که قبلاً آزموده‌اند به فراسوی مرزها منتقل می‌کنند. در سالهای اوج تحریکات گروههای محارب با نظام، هواداران این گروهها با هدایت و هماهنگی رهبران و سازمانهای مخالف به ویژه سازمان منافقین با استفاده از همین شگرد و همراهی قاچاقچیان مواد مخدر از کشور گریختند.

۶- تسهیل تردد اتباع بیگانه: میان قاچاق مواد مخدر و تردد اتباع بیگانه نیز رابطه معناداری به چشم می‌خورد. مرزهای شرقی کشور که دالان عمده ورود محموله‌های مواد مخدر به کشور هستند، مسیر عمده ورود غیرقانونی اتباع بیگانه نیز به شمار می‌روند. بسیاری از اینان در کار قاچاق مواد مخدر یا کالا هم دستی دارند. به گونه‌ای که از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۴ بیش از ۱۲ هزار نفر خارجی مرتبط با قاچاق مواد مخدر دستگیر شده‌اند. (۳۱) هم اینک ۴٪ زندانیان مواد مخدری کشور را اتباع بیگانه به ویژه افغانها و اتباع پاکستان تشکیل می‌دهند.

در اکثر کاروانهای قاچاق از عناصر و تفنگ‌چی‌های افغان یا پاکستانی استفاده می‌شود. قاچاقچیان و رهبران برخی از کاروانها نیز بیگانه‌اند و همراه با محموله‌هایشان وارد کشور می‌شوند. آلوده‌ترین مناطق به ورود مواد مخدر دارای بیشترین تعداد اتباع بیگانه‌اند که برخی به صورت قانونی و عمدتاً غیرقانونی به کشور وارد شده‌اند. به طور مثال در استان سیستان و بلوچستان که از مسیرهای اصلی ورود مواد مخدر به کشور می‌باشد بیش از ۱۲۰ هزار نفر افغان به صورت غیرمجاز سکونت دارند. (۳۲) در

شهرستان زاهدان، تنها ظرف سه ماه اول سال جاری ۷۳۳۱ افغان که به صورت غیرمجاز وارد کشور شده بودند دستگیر شده‌اند و این رقم تنها ۱/۴ از واردشدگان غیرمجاز را در برمی‌گیرد. (۳۳)

ورود گسترده و غیرمجاز اتباع بیگانه با ضربه‌زدن به اقتصاد کشور و ورود انواع بیماریها، ضریب امنیتی نقاط مرزی و عمق کشور را به شدت کاهش می‌دهد. زیرا امکان ورود عناصر خرابکار، جاسوسان، افراد بمب‌گذار و ورود انواع سلاحهای جنگی و مواد آتش‌زا را افزایش می‌دهد و مناطق مرزی بدین‌لحاظ بسیار آلوده‌اند.

دوم) ایجاد شرارت و ناامنی

در اغلب کشورها قاچاق موادمخدر به دلیل ماهیت غیرقانونی و اخلاقی به دست افراد شرور و مطرود جامعه انجام می‌شود و به همین خاطر همواره آمیخته با شرارت است. اما در ایران بنا به عواملی چند دامنه شرارت و ناامنی آن بیشتر از سایر کشورهاست. نخست این که قبل از انقلاب، فتودالها و خوانین محلی، در ازای اخذ امتیازاتی، امنیت مناطق مرزی به ویژه شرق و جنوب شرق کشور را حفظ می‌کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و مبارزه شدید با قدرت خوانین و فتودالها، ساختار اجتماعی این مناطق فرو ریخت و خانها و فتودالهای سابق با استفاده از سلاحهای خارج شده از مراکز نظامی و در خلاء قدرت موجود در این مناطق طی سالهای بعد از انقلاب و جنگ به قاچاق موادمخدر و ایجاد شرارت و ناامنی مانند قتل و غارت و راهبندان، اخاذی، گروگانگیری، هتک نوامیس مردم و موارد مشابه روی آوردند.

دامنه ایجاد شرارت و ناامنی به وسیله این گروههای قاچاقچی به حدی بوده که در مقاطعی امکان زندگی برای سکنه برخی روستاهای مرزی را ناممکن گردانده است. (۳۴) اختلافات اعضای باندها، تسویه حساب طلبکاران و بدهکاران و اختلافات و کینه‌توزیهای شخصی دامنه شرارت را به سطح وسیعی از این مناطق می‌گستراند. چرا که این مسایل به دشمنیهای قومی و قبیله‌ای کشانده شده و منازعات و گروگانگیری و قتلهای جمعی را برای مدتی طولانی به همراه دارد. برای نمونه یکی از اعضای طایفه نارویی در سال ۱۳۷۲، به خونخواهی بستگانش، طی قتل و عام فجیعی تعداد زیادی از سکنه روستایی واقع در داراب فارس را از پای درآورد. مقابله با این‌گونه شرارتهای که

ضریب امنیتی برخی مناطق مرزی کشور را پایین می‌آورد تنها با اختصاص امکانات، وقت و نیروی زیادی از دولت میسر می‌شود. اما با توجه به ساختار اجتماعی، فرهنگی مناطق مذکور، پس از برقراری امنیت نسبی امکان بروز مجدد این گونه شرارتها دور از تصور نیست.

سوم) لطمه به اجرای طرح راهبردی آمایش سرزمینی

در آمایش فضای ملی هر کشور ساماندهی سرزمینی، هدف سیاسی مهمی تلقی می‌شود. ساماندهی جغرافیا و جمعیت عناصر اساسی آمایش سرزمینی‌اند. در آمایش سرزمینی، جمعیت و جغرافیا به عامل سیاست پیوند می‌خورند و تعامل اینان با یکدیگر در قدرت و امنیت ملی کشور تأثیر بسزایی خواهد داشت. دولتها برای تغییر سیاستهای منطقه‌ای و تدوین راهبردهای نو و تقسیم امکانات و خدمات میان مردم پراکنده در بخشهای مختلف کشور، علاوه بر توانایی و مصلحت‌جویی، نیاز به تدارک ساماندهی دارند. غایت این سازماندهی نه سودآوری اقتصادی که حفظ همبستگی و اقتدار ملی است. (۳۵)

آمایش سرزمین به مفهوم ساماندهی فضا و استفاده بهینه از آن در مقیاس کشور بوده و شامل بهره‌وری از کلیه منابع زیست‌محیطی و طبیعی منابع غیرطبیعی (مانند شبکه راهها و تأسیسات زیرساختی) و جمعیت می‌باشد. (۳۶) اهداف آمایش سرزمین عبارتند از:

- ۱ - سازماندهی فضای ملی در جهت بهینه‌سازی فعالیتها و بارور کردن قابلیتها
 - ۲ - ایجاد ارتباط منطقی و ارگانیک میان بخشهای کشور
 - ۳ - تأمین و توزیع مناسب خدمات و زیرساختها و توزیع بهینه فعالیتها در سرزمین به منظور برقراری تعادل در توسعه مناطق کشور
 - ۴ - تعیین سیاستهای کلی در زمینه‌های شهرنشینی، نحوه توزیع شهرها و ارتباط آنها با روستاها و سایر مناطق کشور، راهها و زیرساختها، محیط زیست، کشاورزی و صنایع، خدمات و تعیین کاربری عمده زمین در مقیاس کلان
- حال باید دید که قاچاق مداوم و گسترده مواد مخدر چگونه تأثیری منفی بر طرح آمایش سرزمینی مناطق آلوده خواهد داشت:
- ۱ - مقرون به صرفه نبودن سایر فعالیتهای اقتصادی و فرار سرمایه : سودآوری

تجارت نامشروع مواد مخدر بسیار بالاست. تفاوت قیمت مواد مخدر از محل تولید تا مصرف معمولاً به ۱۵۰۰٪ می‌رسد. از این رو با وجود چنین بازار مناسبی که در سطح جهان پررونق‌ترین تجارت پس از تجارت تسلیحات است، (۳۷) سرمایه‌های موجود گرایش به سمت سایر فعالیتهای تولیدی و صنعتی و حتی خدماتی نمی‌یابند.

از سوی دیگر حجم انبوه سرمایه در گردش تجارت مواد مخدر در داخل کشور باقی نمی‌ماند. زیرا در حالی که در ایران مبارزه شدیدی علیه این تجارت نامشروع در جریان است، برخی کشورها به طرق مختلف اقدام به جذب سرمایه‌های فوق می‌کنند. قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر با شگردهای مختلف و تأسیس شرکتهای پوششی و برخی فعالیتهای به ظاهر اقتصادی، پول خود را به صورت قانونی وارد نظام بانکداری سایر کشورها می‌کنند. در این وضعیت قاچاقچیان ایرانی نیز سرمایه‌های هنگفت خود را عملاً در خارج از کشور به جریان می‌اندازند. این امر ضمن لطمات جدی اقتصادی موجب تضعیف شدید سرمایه‌های بومی و محلی این مناطق که زیرساخت توسعه هستند می‌گردد و امکان انباشت سرمایه را در مناطق فوق به حداقل می‌رساند.

۲- ناامن کردن فضا جهت سرمایه‌گذاری: هرگونه سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی مستلزم وجود امنیت و اطمینان خاطر سرمایه‌گذاران است. اما گسترش قاچاق مواد مخدر در برخی مناطق کشور به ناامن کردن فضای سرمایه‌گذاری، انجامیده است. شرارت و ناامنی و تصفیه حسابهای خونین، اخاذی مسلحانه، راهبندان، گروگانگیری، حمله به مراکز اقتصادی و عمومی بارها به وسیله قاچاقچیان مواد مخدر در مناطقی از استانهای آلوده کشور روی داده است. طبعاً طرح مسأله وجود ناامنی که عمدتاً با توجه به نبود شناخت دقیق از این مناطق به شکل اغراق آمیزی نیز بازتاب می‌یابد، موجب بی‌میلی به سرمایه‌گذاری می‌شود. (۳۸)

از سوی دیگر دولت مرکزی برای مقابله با این روند، ناچار از تشدید اقدامات امنیتی و نظارت متمرکز بر امور است که در مناطق امن چنین موضوعیتی ندارند. کافی است نگاهی به تعدد تورهای ایست و بازرسی در مسیرهای منتهی به شرق و جنوب شرق کشور ببینیم. در واقع برخی مناطق به پادگانهای نظامی بدل شده‌اند.

انجام دادن چنین اقدامات گریزناپذیر به هر حال تأثیر منفی در امر سرمایه‌گذاری گسترده به‌ویژه به وسیله بخش خصوصی نهاده و بر میزان هزینه‌های سرمایه‌گذاری

بخش دولتی می‌افزاید. به همین دلیل است که پس از انقلاب اسلامی اکثر سرمایه‌گذارها در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان را بخش دولتی انجام داده که البته برای رفع محرومیت‌زدایی و توسعه استان لازم، اما ناکافی بوده است به گونه‌ای که این استان علی‌رغم تخصیص امکانات فراوان، همچنان در شمار نواحی محروم کشور به شمار می‌رود. (۳۹)

چهارم) بهره‌برداری سیاسی مخالفان داخلی و خارجی

تبدیل مسأله شرارت قاچاقچیان و خوانین سابق به مقوله‌ای سیاسی، ابعاد امنیتی این پدیده را دوچندان می‌کند. اخیراً برخی از اشرار قاچاقچی برای کسب وجهه و مشروعیت بخشیدن به اعمالشان در داخل و خارج و تطهیر خود از فجایع قبلی کوشیده‌اند به فعالیتهای خود بُعد سیاسی بخشند. آنها با توجه به وجود شکافهای اجتماعی مناطقی مانند سیستان و بلوچستان با دولت مرکزی (مانند شکافهای زبانی، قومی و مذهبی) می‌کوشند با دامن زدن و تقویت تضادها، خود را به نیروی اجتماعی و مردمی بدل سازند و به خود مشروعیت بخشند. به همین دلیل استفاده از نیروی قاچاقچیان مسلح و اشرار از نظر گروههای مخالف نظام دور نمانده است که ذیلاً به مواردی به اختصار اشاره می‌شود:

۱- گروههای تجزیه طلب: طی سالهای دهه ۶۰ و ۷۰، گروههای کوچک تجزیه طلب بلوچ مورد حمایت برخی کشورهای منطقه، ضمن اعتراض به حضور مقتدرانه نظام در مقابله با قاچاق مواد مخدر آن را پوششی برای سرکوب مردم بلوچستان دانسته، برای تحقق اهداف خود بهره‌گیری از توان قاچاقچیان با سابقه مواد مخدر را در اولویت قرار دادند. آنها حتی کوشیدند از احساسات مذهبی مردم نیز بهره‌برداری کنند. از این رو با حمایت و هدایت خارجی قاچاقچیان و اشرار معروفی مانند حمید نهتانی (۹)، نورمحمد نارویی و شمس‌الدین سالارزهی با داعیه حمایت از حقوق سیاسی و مذهبی مسلمانان اهل سنت بلوچستان در سطح منطقه به تبلیغات و ایجاد شرارت و ناامنی پرداختند. هر چند تحرکات محدود و چندنفره این عده به دلیل فقدان پایگاه اجتماعی و بی‌اعتمادی و عدم استقبال مردم، سوابق معلوم این افراد و قاطعیت نظام به سرعت خنثی و سرکوب شد اما شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی منطقه و حمایت عوامل خارجی به گونه‌ای

است که احتمال آغاز مجدد این فعالیتها را به طور کامل نمی‌توان منتفی دانست. (۴۰)

۲- گروه طالبان : جنبش طالبان پس از بسط قدرت در افغانستان و حتی قبل از آن تحركات و تبلیغات خود علیه جمهوری اسلامی را گسترش داد. در این جا به بخشی از عملکرد طالبان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران که به مسأله موادمخدر مربوط می‌شود خواهیم پرداخت:

مورد اول : تولید موادمخدر یکی از راههای اصلی کسب درآمد طالبان بوده و حجم آن در مناطق تحت نفوذ آنها از ۲۰۰۰ تن در سال ۱۹۹۱ (۴۱) (قبل از روی کار آمدن طالبان) به ۲۸۰۰ تن در سال ۱۹۹۶ رسیده است (۴۲) که اغلب آن از مسیر ایران به اروپا ترانزیت می‌شود. با این حال، رهبران این گروه افراطی مذهبی اهداف دیگری نیز دنبال می‌کنند. رهبران طالبان شرعاً تولید موادمخدر و ارسال آن به کشورهایی مانند ایران را حلال و مباح اعلام کرده‌اند. به گفته یکی از تحلیل‌گران طالبان از تولید و قاچاق موادمخدر اهداف سیاسی دنبال کرده، در صدد بسط نفوذ و تحمیل خویش به کشورهای منطقه به ویژه ایران است، به گونه‌ای که حتی ملامحمد عمر، رهبر طالبان توقف، تولید و قاچاق موادمخدر را منوط به پذیرش و به رسمیت شناخته شدن این گروه به وسیله سایر کشورها از جمله ایران کرده است (۴۳) و عملاً از سال ۱۹۹۶ و بسط قدرت طالبان در افغانستان مرزهای این کشور با ایران، جولانگاه کاروانهای بزرگ موادمخدر بوده که با حمایت کامل نظامی این گروه به سمت مرزهای ایران و کشورهای آسیای مرکزی حرکت می‌کنند و مقابله و کنترل آنها تنها با صرف هزینه‌ها و امکانات بسیار میسر گردیده است.

مورد دوم : در بعد داخلی نیز طالبان حمایت از گروههای قاچاقچی ایرانی را تشدید کرده و با کمک آنها در صدد ایجاد ناامنی در عمق کشور و دامن زدن به تعارضات سیاسی و مذهبی به ویژه در مناطق مرزی است. حمایت از گروهی موسوم به الفرقان و یکی از اشرار و قاچاقچیان معروف بلوچستان به نام مولابخش درخشان، موسوم به "مولوک" در همین جهت صورت گرفت. گروه شرور فوق در اسفند ۱۳۷۶ در شهرستان ایرانشهر مورد حمله نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفت. اسناد درون‌گروهی به دست آمده ارتباطات آنها را با طالبان و مقاصد گفته شده را تأیید می‌کند. (۴۴)

۳- سازمان مجاهدین خلق (منافقین) : از دیگر گروههای مخالف نظام که از مسأله قاچاق موادمخدر بهره‌برداری سیاسی می‌کند می‌توان به سازمان مجاهدین خلق

(متناقضین) اشاره کرد. پیوند سازمان با قاچاقچیان موادمخدر به سالهای نخست انقلاب بازمی‌گردد. بسیاری از هواداران و کادرها و برخی از رهبران این گروه به وسیله همین افراد از کشور خارج شدند. در سالهای دهه ۶۰ نیز تعدادی از تیمهای ترور و بمب‌گذار سازمان به کمک اشرار و قاچاقچیان و از راههای مطمئن مورد استفاده آنها وارد کشور شده یا خارج می‌گردیدند.

اما به تدریج سازمان که به سودآوری تجارت موادمخدر پی برد، درصدد استفاده از فرصت برآمد و با استفاده از منابع و امکانات خود توانست شبکه قاچاق موادمخدر افیونی را به منظور کسب درآمد و صرف آن بر علیه نظام سازمان دهد. اخیراً نیز گزارشهایی مبنی بر همکاری سازمان با طالبان در جهت تعقیب هدف مشترک ضربه به نظام و فعالیت در ترانزیت موادمخدر به دست آمده است. (۴۵)

نتیجه‌گیری : راهبردها و راهکارها

در بخش گذشته ضمن بررسی مفاهیم امنیت ملی و مسأله موادمخدر به مثابه تهدید امنیتی با عرضه شاخصهایی چند تأثیر قاچاق موادمخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی شد. بررسی شاخصها حکایت از تبعات منفی گسترش قاچاق موادمخدر بر امنیت ملی کشور دارد. با توجه به این که موادمخدر امری خارجی و وارداتی است، موجب نفوذپذیری مرزها، افزایش تلفات و درگیریها، ازدیاد هزینه‌های کنترل مرز، ورود بیگانگان، تردد غیرمجاز و ... می‌شود. همچنین ایجاد اختلال در روند اجرای طرح آمایش سرزمین و بهره‌گیری از منابع و توانمندیهای موجود و بهره‌برداری مخالفان سیاسی داخلی و خارجی از دیگر تبعات امنیتی منفی قاچاق موادمخدر می‌باشند که در آزمون فرضیه تأثیرگذاری منفی قاچاق موادمخدر بر امنیت ملی کشور بررسی شدند؛ درخصوص چشم‌انداز آتی این مسأله می‌توان گفت که: عصر حاضر شاهد کاهش عناصر سنتی امنیت ملی مانند وسعت جغرافیایی و میزان جمعیت و افزایش عناصر غیرمادی قدرت همچون روحیه و وفاق ملی، بهره‌وری از استعدادها و آفرینندگی نسل جوان و نیز توان به‌کارگیری منابع موجود و مادی کشورهاست و طبعاً رواج گسترده قاچاق و به تبع مصرف آن می‌تواند بر کارایی منابع مادی و غیرمادی قدرت و مؤلفه‌های امنیت ملی تأثیر منفی نهد. هر چند چنین نگاهی به امنیت ملی و رای دیدگاه

ما و نگرشهای سنتی، از بداعت و تازگی برخوردار است، اما به تدریج در میان صاحب نظران مقبولیت عام می یابد. (۴۶) راهبردها و راهکارها را تحت چند عنوان می توان ذکر کرد:

۱ - طرح بحث مبارزه با قاچاق موادمخدر در سطح بین المللی : می دانیم که موادمخدر فقط در چند کشور تولید می شوند، اما گستره توزیع و مصرف جهانی دارند. مسأله مهم در تجارت موادمخدر نه تولید و نه بازاریابی، بلکه ترانزیت آن است. از این رو شبکه ای منظم، وسیع و مخفی پدید آمده که با سازماندهی بزرگ حمل و نقل جهانی؛ شرکتهای دارویی، باندهای تبهکاری بین المللی و محلی و حتی دولتمردان و مقامات محلی برخی کشورها در آن فعالند.

ایران نیز یکی از دالانهای مهم ترانزیت موادمخدر است و با توجه به عدم امکان تولید انبوه مواد در داخل، آن چه در کشور ما نیز توزیع می شود وارداتی است. بنابراین ایران در صف مقدم مبارزه با مواد افیونی است که سلامت اخلاقی و اجتماعی همه کشورها را به مخاطره انداخته است. به همین خاطر باید تمهیداتی فراهم آورد که مبارزه با موادمخدر در سطح منطقه هلال طلایی که عمدتاً از ایران به اروپا و امریکا می رود، در بُعد بین المللی مطرح شود و سایر کشورهای ذیربط نیز در هزینه گزاف مبارزه با جمهوری اسلامی شریک شوند. منافع عمده این راهبرد عبارتند از:

- کاستن از هزینه های مالی و جانی وارده به کشور
- کاهش ورود موادمخدر به داخل و کم شدن از میزان مصرف مواد در جامعه
- ایجاد احساس مسؤولیت بین المللی و درک جامعه بین المللی در قبال تلاشهای ایران که تاکنون حمایت چندانی در مقایسه با کشورهای ترکیه، پاکستان و اکوادور دریافت نکرده است. (۴۷) (فقط در سال ۱۹۹۲ به اکوادور حدود ۷ میلیون دلار در همین زمینه کمک مالی شده است) (۴۸)

لازم به ذکر است که اجرای طرح زیان خاصی ندارد و شاید تنها این مشکل را داشته باشد که ضمانت اجرای چندانی ندارد. چنان که در حال حاضر نیز چندین سازمان بین المللی در این زمینه فعالیت دارند. اما تلاشهای آنها وافی و کافی نبوده است. ضمن این که شیوه فوق لازم اما ناکافی می باشد. در این زمینه اقدامات چندی نیز صورت گرفته است. (۴۹)

۲- اولویت مبارزه با توزیع و مصرف مواد مخدر در داخل بر مقابله با ترانزیت به خارج: ایران مسیر سنتی و قدیمی ترانزیت مواد مخدر بوده است و حمل و نقل مواد از خشکی خطرات کمتری در مقایسه با راههای انتقال دریایی و هوایی دارد و بخشی از مواد ترانزیتی نیز در داخل مصرف می‌شوند. با عنایت به عوارض فراوان افزایش میزان مصرف در داخل و هزینه‌های مقابله با کلیت این پدیده و ترانزیت به خارج و نیز در دسترس نبودن سران باندهای بین‌المللی مواد مخدر می‌توان به راهکار اولویت مبارزه با توزیع و مصرف مواد در داخل به جای مقابله با ترانزیت به خارج اندیشید. منافع این راهبرد بسیارند، از آن جمله:

- کاستن از هزینه‌های مبارزه
 - کاهش مصرف در داخل
 - الزام کشورهای اروپایی در حمایت از ایران بر اثر مواجهه با ورود سیل آسای مواد مخدر
- البته زیانها و محدودیتهایی نیز وجود دارد که نباید آنها را نادیده گرفت:
- ضربه به اعتبار دیرین جمهوری اسلامی در پیشگامی مبارزه با مواد مخدر
 - احتمال آلودگی تعداد بیشتری به تجارت مواد مخدر
 - جدایی ناپذیری مقوله‌های ترانزیت مواد به خارج و توزیع در داخل و احتمال تداوم افزایش مصرف در کشور

۳- طرح تشدید مبارزه با ورود مواد مخدر در مبادی ورودی و خروجی: این طرح حدود یک دهه است که در حال اجرا می‌باشد و راه حل شناخته شده‌ای است. از جمله منافع آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ایجاد ناامنی برای قاچاقچیان
- ناامن شدن مسیر ایران
- احتمال کاهش مصرف در داخل
- افزایش ضریب امنیتی مرزها با به‌کارگیری نیروهای نظامی و انتظامی
- مضرات و محدودیتهای آن نیز کم و بیش شناخته شده‌اند از آن جمله:
- افزایش هنگفت هزینه‌های کنترل مرز

- تبدیل مناطق آلوده به پادگان‌های نظامی
- افزایش میزان تلفات و درگیریها
- احتمال آلودگی نیروهای مقابله کننده
- ممکن نبودن کنترل کامل و همبستگی نوار مرز

سیاست فوق در عمل علی‌رغم تلاش فراوان دست‌اندارکاران و صرف هزینه‌های بسیار، کارآیی چندانی نداشته و عملاً در حل معضل موادمخدر فرومانده است. طی سالهای اخیر از نیروهای سپاه پاسداران دو بار برای کنترل مرزهای شرقی و مبارزه با موادمخدر استفاده گردیده و بیش از ۳۰ هزار نیروی نظامی و انتظامی در مرز و ۲۰ هزار نیرو در عمق به کار گرفته شده‌اند. (۵۰)

شاید ایراد شیوه فوق در این باشد که به شیوه‌های سلبی و اقدامات کنترلی صرف بسنده کرده و مبارزه با موادمخدر را به صورت کلان و همه جانبه ندیده است. در نتیجه علی‌رغم افزایش قابل توجه کشفیات، در مقابل گسترش ترانزیت مواد مصرف آن و تعداد معتادان در داخل نیز سیر صعودی یافته است و با توجه به سهولت مبارزه با قاچاق تریاک (به لحاظ رنگ، وزن و بو) بر میزان قاچاق و مصرف هروین (که کشف آن به شیوه‌های سنتی مشکل است و لزوماً باید از راهکارهای اطلاعاتی بهره جست) به میزان نگران‌کننده افزوده شده است. (۵۱)

۴- کلان‌نگری در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: عنایت به نقاط قوت و ضعف راهکارهای پیشین، ما را به سوی راهبردی دلالت می‌کند که جامع بیشترین منافع و کمترین زیانها باشد. یک طرح کلان‌نگر و جامع قاعدتاً با توجه بدین موارد قابل تنظیم است:

- از بین بردن زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی قاچاق و کاهش تقاضای مصرف موادمخدر
- غیراقتصادی کردن و بالا بردن هزینه‌های قاچاق
- شناسایی و مصادره اموال نامشروع و ضربه به توان اقتصادی قاچاقچیان
- افزایش شیوه‌های همکاری منطقه‌ای به ویژه با کشورهای همسایه و سازمانهای تخصصی مبارزه با موادمخدر از طریق تبادل اطلاعات، استرداد مجرمان،

همکاری‌های آموزشی و همکاری‌های مرزی.

- توجه به توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی و ایجاد واحدهای جمعیتی به جای پیگیری سیاست سرزمینهای سوخته و تخلیه نوار مرزی.
 - با توجه به جدایی ناپذیر بودن مسأله امنیت داخلی، کنترل مرز و مقابله با مواد مخدر، در این زمینه‌ها سیاست واحد و یکسان اعمال شود.
 - به کارگیری شیوه و شگردهای نوین اطلاعاتی به جای روشهای سنتی و انفعالی گذشته.
 - تمرکز مقابله با شبکه‌های بزرگ و باندهای اصلی و ضربه به سران باندها به جای مقابله با قاچاقچیان جزء.
 - ایجاد هماهنگی میان سازمانهای مقابله‌کننده و جلوگیری از اقدامات موازی و متداخل.
 - آموزش نیروها، ایجاد رقابت سالم، بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته.
- پرواضح است چنین راهکاری فقط بر بستر مساعد توسعه پایدار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مناطق حاشیه‌ای کشور و از بین رفتن عوامل اصلی گرایش به قاچاق یعنی بی‌سوادی (یا کم‌سوادی) بیکاری و حل مسایل مبتلابه جوانان، امکان توفیق، آن هم در درازمدت را خواهد داشت. امید می‌رود که مسؤولان محترم تهیه طرح برنامه ملی پیشگیری، درمان و مبارزه با سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر در ایران بدین مهم عنایت کافی داشته باشند.

یادداشتها

- 1- Maslow, A Theory of Motivation, **Psychological Review**, 1943.
- ۲- در این باره رک:
 - Lippman, Walter, U.S. **Foreign Policy**, Boston, little Brown, 1943.
 - Wolfers, Arnold: **Discord & Collaboration**, Baltimore, John Hopkins, 1962.
- 3- Korany, Behjat; **The Many Faces of National Security in The Arab World**, London, Macmillan, 1993, p.5
- ۴- ماندل، پیشین، ص ۲۰.
- ۵- همان، ص ۶۳.
- ۶- همان.
- 7- UNESCO Courier, September, 1994, Vol. 47.
- 8- Korany, op.cit, p. 11.
- ۹- بنگرید به مقاله تهدیدات امنیتی در: مجله سیاست دفاعی، سال ۳، ش ۲ و ۳ (بهار و تابستان ۷۴)، ص ۲۵۱.
- ۱۰- مصاحبه مدیرکل پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، مورخه ۷/۵/۷۷.
- ۱۱- سخنان دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری در سمینار بررسی مسایل اعتیاد کشور، تبریز ۲۷/۴/۷۷.
- ۱۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۹/۴/۷۷.
- ۱۳- مصاحبه نگارنده با دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، ۲۷/۴/۷۷.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- اظهارات خانم صدیقی نماینده مردم مشهد در مجلس، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸/۳/۷۷.
- ۱۶- همان.

قاجاق مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران □ ۱۶۹

۱۷- مصاحبه با دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، ۷۷/۴/۲۷ جزوه تأثیر مصرف مواد مخدر بر اقتصاد کشور، ۱۳۷۱.

۱۸- مصاحبه با دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، ۷۷/۴/۲۷.
۱۹- همان.

۲۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، تاریخ ۷۷/۲/۱۵.

۲۱- مصاحبه با دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر، پیشین.

۲۲- مصاحبه استاندار کردستان، ۷۷/۲/۳۰.

23- UNDCP Report, 1995.

۲۴- مصاحبه با دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، ۷۷/۷/۲۷.

25- Times, July 13, 1998, p.27.

۲۶- نطق افتتاحیه نماینده ایران در اجلاس مشترک کشورهای عضو اکو و سازمانهای تخصصی بین‌المللی مواد مخدر، تهران، آبان ۷۴.

۲۷- مصاحبه با دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، ۷۷/۴/۲۷.

۲۸- نطق افتتاحیه دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر در اجلاس مشترک کشورهای عضو اکو و سازمانهای تخصصی مبارزه با مواد مخدر، تهران، آبان ۷۴.

29- The Drug in The East Europe, **Foriegn Policy**, Spring, 1993, p. 73.

۳۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۷۷/۴/۲۹.

۳۱- سخنان دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری در اجلاس اعضای اکو و سازمانهای بین‌المللی مبارزه با مواد مخدر، تهران، آبان ۷۴.

۳۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷۷/۴/۳۰.

۳۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷۷/۴/۲۹.

۳۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷۷/۳/۱۱.

۳۵- سگن، پاراک، آمایش سرزمین، فصلنامه گفتگو، سال ۵، ش ۲۰، تابستان ۷۷، ص ۸.

۳۶- اعتماد، سلطان محمد، امنیت و ثبات اجتماعی در برنامه‌های آمایش سرزمین، مجموعه مقالات توسعه و امنیت عمومی، تهران، وزارت کشور، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۳.

37- **Foriegn Policy**, op.cit, p.86.

۳۸- اخبار خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷۷/۴/۹.

۳۹- اداره کل برنامه و بودجه سیستان و بلوچستان، آمارنامه سال ۱۳۷۴.

۴۰- مصاحبه نگارنده با یکی از مدیران وقت سیاسی و امنیتی استان سیستان و بلوچستان، (نام محفوظ) زاهدان، بهمن ۱۳۷۶.

41- UNCDP Report, P. 992.

42- **Time**, July 13, 1998.

۴۳- مصاحبه نگارنده با یکی از مدیران سیاسی امنیتی استان سیستان و بلوچستان، زاهدان، بهمن ۷۶.

۴۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۶/۱۲/۱۹.

۴۵- مصاحبه نگارنده با یکی از مدیران وقت سیاسی امنیتی استان سیستان و بلوچستان (نام محفوظ)، بهمن ۷۶، زاهدان.

46- Sharam Chubin, **Iran's National Security Policy, Capabilities & Impact**, Washington, 1994, p.17.

47- UNCDP Report, 1995, p.70.

48- **Foreign Policy**, spring, 1993, p.79.

۴۹- برای نمونه می‌توان به تشکیل کمیته ویژه مبارزه با موادمخدر در سازمان آکو، طی اجلاس سران اکوادراستانبول در سال ۱۹۹۲ اشاره کرد.

۵۰- سخنان دبیر ستاد مبارزه با موادمخدر ریاست جمهوری در اجلاس مبارزه با موادمخدر آکو، آبان ۷۴، تهران.

۵۱- پیشین.